

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## نشر و فرهنگ

● سلسله گفتگوها پیرامون نشر و فرهنگ: گفتگوی بیستم با داود موسایی:  
ناشر منابع مرجع / به کوشش عبدالحسین آذرنگ و علی دهباشی با همکاری  
طلوبی ساطعی

## سلسله گفت و گوها پیرامون نشر و فرهنگ

- یکم: عبدالرحیم جعفری بنیانگذار مؤسسه انتشارات امیر کبیر (بخارا، ش ۴)
- دوم: ایرج افشار و انتشارات دانشگاهی (بخارا، ش ۵)
- سوم: بیژن ترقی، از خاندان ناشر آثار ادبی - تاریخی (بخارا، ش ۶)
- چهارم: محسن رضانی از خاندان رضانی (بخارا، ش ۷)
- پنجم: احسان نراقی و نکته‌هایی از پس پرده سانسور کتاب (بخارا، ش ۸)
- ششم: محمود علمی و علی اصغر علمی (دو نسل از میان پنج نسل ناشر، چاپگر و کتابفروش) (بخارا، ش ۹ و ۱۰)
- هفتم: محمود کاشی‌چی، ناشری در پی دگرگونی (بخارا، ش ۱۱)
- هشتم: محمود باقری: بساط، رویه دیگری از نشر و کتابفروشی مردمی (بخارا، ش ۱۲)
- نهم: داود رمضان شیرازی: بیش از نیم قرن کتابدگی (بخارا، ش ۱۳ و ۱۴)
- دهم: محسن باقرزاده: انتشارات توس، بنیاد فرهنگ ایران و نکته‌های دیگر از نشر (بخارا، ش ۱۵)
- یازدهم: جهانگیر منصور: زوایایی از انتشارات نیل و کتاب زمان (بخارا، ش ۱۶)
- دوازدهم: محمدرضا جعفری: امیر کبیر و نشر نو در دوره انتقال (بخارا، ش ۱۷)
- سیزدهم: احمد رضا احمدی: نشر مواد شنیداری برای کودکان و نوجوانان (بخارا، ش ۱۸)
- چهاردهم: علیرضا رضانی: نشر مرکز از ناشران عصر انتقال (بخارا، ش ۱۹)
- پانزدهم: رضا سیدحسینی و مصطفی رحیمی: نشر کتاب از منظری دیگر (بخارا، ش ۲۰)
- شانزدهم: کریم امامی: از کیهان، فرانکلین و سروش (بخارا، ش ۲۱ و ۲۲)
- هفدهم: محمدجعفر مظفر: انتشارات کویر و نشر سیاسی در ایران (بخارا، ش ۲۳)
- هجدهم: داریوش شایگان و کامران فانی: نشر و فرهنگ (بخارا، ش ۲۴)
- نوزدهم: جعفر همایی: نشر نی، ناشر آثار اقتصادی و اجتماعی (بخارا، ش ۲۶)

# سلسله گفت و گوها پیرامون نشر و فرهنگ

گفت و گوی بیستم با داود موسایی: ناشر منابع مرجع

به کوشش عبدالحسین آذرنگ؛ علی دهباشی

با همکاری طوبی ساطعی

## سخنی با نشر دوستان

نشر کتاب، به سبب پیوندهای ژرف و بسیارش با فعالیتهای گوناگون بشری، در شمار پیچیده‌ترین پدیده‌هاست؛ نشر رکن مهمی است از تاریخ فرهنگ، جامعه، اندیشه و تفکر، تاریخ روشنفکری و روشن‌اندیشی، جزئی جدایی‌ناپذیر از تاریخ نظر اجتماعی، سیاسی و پاره‌ای از پیشینه هرگونه تحوّل که با جهان معنوی و احساس و عاطفه آدمی در آمیخته است. روشن شدن تاریخ نشر، برگوشه‌های ناپیدایی از همه اینها پرتو خواهد افکند.

هدف از این سلسله گفت‌وگوها، گشودن راه به سوی تاریخ نشر کتاب در ایران و تلاش برای مصون نگاه داشتن دانسته‌های ارزشمند از گزند فراموشی است. بخارا از همه بزرگان، پیشگامان، صاحب‌نظران، تجربه‌مندان و سایر آگاهان نشر کتاب در ایران دعوت می‌کند برای جلوگیری از فراموش شدن جنبه‌های ارزشمند نشر، و به هر نحوه مایل هستند، همکاری کنند. این بخش از بخارا در اختیار هر کسی است که به گفت‌وگو درباره زوایا و خفایای تاریخ نشر کتاب در ایران، و به ویژه پیوند آن با سیر فرهنگی کشور، علاقه‌مند است.

مجله بخارا



● داود موسایی (عکس از ضربی ساطعی)

— آقای موسایی اگر ممکن است خودتان را به اختصار به خوانندگان معرفی کنید.

متولد سال ۱۳۳۳ هستم. در سال ۱۳۴۵ از زادگاهم، اردستان اصفهان، برای کار به تهران آمدم و در خیابان بوذرجمهری، بازار تهران، پله‌های نوروزخان، در چاپخانه‌ای به نام خرسند مشغول به کار شدم. حدود هفت - هشت ماهی در آن جا کار کردم که متوجه شدم فضای چاپخانه با روحیات من سازگار نیست و به دلیل آشنایی خانوادگی که با زنده‌یاد مرتضی عظیمی مدیر انتشارات و کتابفروشی آذر، مقابل دانشگاه تهران، داشتم، به عنوان شاگرد کتابفروشی مشغول به کار شدم. آقای عظیمی فردی مؤمن، شریف و درستکار، با اعتقادات شدید مذهبی بود. مدت سه سالی در این کتابفروشی کار کردم. از جمله افراد دیگری که در آن روزگار با آقای عظیمی همکاری می‌کردند، آقای دهم‌سنگ است که اکنون یکی از ناشران معتبر ایران هستند. از این دو بزرگوار در طی آن سه سال بسیار آموختم و بعدها در خیلی از موارد برایم راهنگشا بود.

— چطور شد که از کتابفروشی به نشر رو آوردید؟

به نظر خودم زندگی کاری من به دو بخش تقسیم می‌شود. یک بخش از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۶۰ که در این دوره کارهای متفاوتی انجام داده‌ام، از جمله کار در چاپخانه، کتابفروشی، بساط

کردن کتاب کنار خیابان، و حدود دو سال کارهای پراکنده، البته در ارتباط با کتاب، و بعد دو سالی هم کار در فروشگاه‌های بزرگ ایران که در آن روزگار تازه تأسیس شده بود. دوستی دارم به نام آقای حسین خامنه‌ای که اکنون یکی از ناشران مطرح کتاب‌های کودکان و نوجوانان هستند. ایشان غرفه فروش کتاب و محصولات فرهنگی فروشگاه‌های بزرگ ایران از جمله فروشگاه سوپرستور، مقابل تلویزیون جام‌جم، و فروشگاه‌های دیگر این مجموعه را اجاره و راه‌اندازی کرده بودند و اداره آن غرفه را به عهده من گذاشت. پس از مدتی دوباره به فکر افتادم که کار و کسبی برای خودم راه بیندازم از این رو کار ایندکس (جای شستی) کردن فرهنگ‌های لغات را در ایران شروع کردم، برای این کار کارگاهی راه‌اندازی کردم با حدود ۲۰ پرسنل، و سپس مرحله تکمیل آن راه‌اندازی یک کارگاه صحافی کتاب بود که بیشتر فرهنگ‌های لغت صحافی می‌کرد، مجموعاً در این دو کارگاه حدود ۴۰ نفر مشغول به کار بودند، که تا سال ۱۳۵۹ این کار را انجام می‌دادم و از سال ۱۳۶۰ رسماً کار نشر را شروع کردم.

#### — ایندکس کردن نوعی تخصص است؟

جزئی از کار صحافی است، قبل از من یکی دو نفر دیگر این کار را انجام می‌دادند. از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۰ حدود ده سال در این زمینه کار کردم و این کار را در ایران من رواج دادم. این دوره، دوره نوجوانی من بود و تجربه‌های تازه‌ای به دست آوردم.

#### — آیا در صحافی کار می‌کردید؟

نه. من در کارگاه صحافی کار نکردم، بعد از راه‌اندازی کار ایندکس برای تکمیل این کار در سال ۱۳۵۴ یک کارگاه صحافی کتاب دایر کردم. پس از آن به فکر افتادم که چاپخانه مدرنی راه بیندازم که همه مراحل کار از چاپ، صحافی و ایندکس در یک مکان انجام شود، که برای این منظور ایندکس و صحافی آن را راه‌اندازی کرده بودم که مصادف شد با شروع انقلاب و کارم کند و سپس متوقف شد.

#### — در کجا این کارها را انجام می‌دادید؟

در تهران، کارگاه ایندکس در خیابان آزادی بود، و کارگاه صحافی در خیابان جمالزاده

#### — فن آوری این کار و دستگاه ایندکس را از کجا آوردید؟

در ایران، دستگاهی است که برای مصارف صنعتی دیگر به کار می‌رود و با مقداری تغییر در



تبدیل آن را به دستگاه این کار تبدیل کردم. این کار داستان طولانی دارد که فرصت گفتن آن نیست وقتی این کار را من شروع کردم در عرض حدود ۵ سال این کار را همه گیر کردم به حدی که همین امروز هم تقریباً هیچ فرهنگ لغتی بدون ایندکس به فروش نمی رود.

### — پس دقیقاً بیست سال است که در کار نشر هستید؟

بله. نشر را دوست داشتم. از زمانی که در کتابفروشی، و حرفه صحافی و ایندکس بودم، فکر می کردم حرفه نشر پایه همه این کارها است و آرزو داشتم روزی یک تشکیلات انتشاراتی داشته باشم و وسایل تولیدی اش هم در اختیارم باشد. در حال حاضر حدود ۳۵ سال است که در حوزه کتاب کار می کنم و هیچ وقت کارم منفک از کتاب نبوده است. همان طور که قبلاً گفتم دوره دوم کار من که از سال ۱۳۶۰ شروع شده با دریافت امتیاز چاپ و نشر آثار زنده یاد سلیمان حییم از خانواده ایشان شروع شد. نمی دانم این از، اتفاق، شانس، بدشانسی بود، یا هر اسمی که می توانید روی آن بگذارید که قرعه کارهایی چون، ایندکس فرهنگ، صحافی فرهنگ، نشر فرهنگ و امروز سرمایه گذاری روی تولید فرهنگ آن هم با روشهای علمی از نوجوانی در طالع من افتاده بوده است. در مورد خودم فکر می کنم تا آخر عمر هم با این کار خواهم ماند یا حداقل امیدوارم این طور باشد. اجازه بدهید سی سال به عقب برگردیم. وقتی که کار ایندکس را شروع کردم و نزد ناشر قبلی آثار حییم مرحوم یهودا بروخیم رفتیم. (تازه فرهنگهای آریان پور را انتشارات امیرکبیر به همت آقای عبدالرحیم جعفری منتشر کرده بود از اولین روزهایی که کارم را در کتابفروشی آذر شروع کردم با نام این بزرگ مرد نشر ایران و کارهای حیرت آوری که در آن سالها توسط او انجام می شد، آشنا شدم. اینها شنیده هایی بود از زبان مرحوم مرتضی عظیمی که برای دوستانش تعریف می کرد. به آقای بروخیم گفتم چرا به فرهنگهای حییم لغت جدید اضافه نمی کنید، فکر می کنم اگر این روال را ادامه دهید فرهنگهای جدید آریان پور جای این فرهنگها را خواهد گرفت و به تدریج فروش آنها کم خواهد شد. مرحوم بروخیم در جواب می گفت این کار حال و حوصله و آدم پرنرژی می خواهد که من هیچ یک از آنها را ندارم، تا اینکه برحسب اتفاق این قرعه به نام خودم افتاد و حالا باید همان کارهایی را انجام می دادم که روزی توصیه آن را به ناشر قبلی می کردم و از اینجا بود که وارد حوزه نشر کتابهای مرجع شدم. در آغاز به دلیل بحران بعد از انقلاب در کار نشر همه چیز به هم ریخته بود. عده ای فرهنگهای حییم را به صورت غیرقانونی با وضعیتی نازل منتشر می کردند. طی چند سال با تحمل چه زحماتی توانستم از این کار جلوگیری کنم و سر و سامانی به چاپ و عرضه این آثار با کیفیت مطلوب بدهم وقتی از این کار فارغ شدم به فکر انجام پیشنهادات قدیم، و روزآمد کردن فرهنگها افتادم. با آن امکانات



فرهنگ معاصر

فرهنگ معاصر



فرهنگ معاصر

هزاره

انگلیسی  
فارسی

انگلیسی  
فارسی

محمد رضا باطنی  
بازرسی  
فاطمه آذر مهر

در  
یک جلد



رویین پاکباز

FARHANG MOASER  
ONE-VOLUME  
MILLENNIUM  
ENGLISH  
PERSIAN  
DICTIONARY



۱۴۸

محدودی که در آغاز کار داشتم به خاطر دارم یکی دو سال بعد از شروع کار با آقای بهاء‌الدین خرمشاهی و کامران فانی و چند نفر دیگر که از قدیم ارتباط دوستی داشتم، مشورت‌هایی داشتم، از جمله کسانی که برای این کار معرفی شدند آقای کریم امانی بودند، با ایشان چند جلسه مذاکره داشتیم، ایشان صبر و تحمل را توصیه می‌کردند، به یاد دارم ایشان چند بار به من گفتند اینقدر عجله نکن و اصطلاحی به کار می‌برند که هنوز خوب به یادم مانده است "بگذار آبی به آسیابت بیفتد" بعد این کارها را بکن، جواب من هم تکراری بود "دیر می‌شود" در هر صورت ایشان از روزآمد کردن فرهنگ‌های حییم بنا به دلایلی خودداری کردند، تا اینکه روزی آقای خرمشاهی به من زنگ زدند که آیا هنوز می‌خواهی این کار را انجام دهی، جواب من مثبت بود، ایشان گفتند که اخیراً با فردی آشنا شده‌اند که تحصیلات زبانشناسی را در دانشگاه لندن تمام کرده و هم انگلیسی و هم فارسی ایشان بسیار خوب است و فکر می‌کنم این همان کسی است که می‌خواهی. ایشان دکتر علی محمد حق‌شناس بودند. به زودی ترتیب قراری گذاشته شد و بعد از چند جلسه گفتگو و مذاکره بعد از چند ماه کار شروع شد که این به عبارتی شروع تأسیس واحد پژوهش فرهنگ معاصر شد.

— وارد نشر که شدید هیچ تجربه‌ای نداشتید؟

چرا، تجربه کمی داشتم. به اتفاق یکی از دوستانم در دوره‌ای نشر مشترکی داشتیم به نام نشر

پارسی که کتاب کلیدر آقای محمود دولت‌آبادی را چاپ می‌کردیم. با این تجربه وارد حوزه نشر شدم.

### — پس این تجربه غیرمستقیم را داشتید؟

بله. به غیر از این در کتابفروشی آذر هم که بودم با پروسه نشر آشنا شدم، چون انتشارات آذر ناشر موفق هم بود که کتاب‌های بسیار اساسی در آن دوران چاپ می‌کرد، از جمله کتابهایی که به خاطر دارم کتاب فیزیولوژی گایتون، جراحی عمومی، محمد پیامبر شناخته شده و ... از این طریق در طی سالهایی که در انتشارات آذر بودم با حروف چینی، نمونه خوانی، چاپ و صحافی آشنا شده بودم. از جمله مواردی که در آنجا آموختم و همیشه الگو قرار دادم کیفیت در انجام کار بود، آقای عظیمی بسیار مقید بود که کار اصولی و اساسی انجام شود و این در آینده من تأثیر خوبی داشت و همیشه حس انجام کار بهتر را در من بیدار می‌کرد که بعدها این حس برای من کمک بزرگی بود. از مرحوم عظیمی بسیار آموختم. همیشه خودم را مدیون او می‌دانم. به یاد می‌آورم گاهی بعضی از صحاف‌هایی که برای ایشان کار می‌کردند، کارشان اشکال داشت و ایشان علت اشکال کار را می‌پرسید، خیلی از آنها در پاسخگویی درمی‌ماندند و نمی‌دانستند چرا این اشکالات پیش می‌آید. این موارد حس کنجکاوی من را بیدار می‌کرد، از مواردی که به یاد دارم این است، زمانی که کارگاه صحافی داشتم اشکال پس و پیش بودن فرم یا سفید بودن صفحات فرم در کارهایمان خیلی پیش می‌آمد و هرچه کنترل می‌کردیم کمتر نتیجه می‌گرفتم تا اینکه روزی به فکر رسیدم چرا کتاب‌های چاپ خارج خالی از این اشکالات است، یک فرهنگ وبستر خریدم، آن را شکافتم و تمام جزییات آن را یک به یک بررسی کردم. راه برطرف کردن آن اشکالات را پیدا کردم و بعداً در کار نشر به کار بردم. نتیجه آن شد که اکنون می‌توانم ادعا کنم کتاب‌های انتشارات فرهنگ معاصر با کم‌ترین ضایعات و نقص منتشر می‌شوند.

### — شکافتن و پاره‌پاره کردن فرهنگ وبستر به شما چه یاد داد؟

مثلاً آنها برای اینکه فرم‌ها پس و پیش نشود، علامت‌هایی بصورت مربع یا مستطیل پشت فرم‌ها می‌گذارند که راهنمای صحافی است. به کمک این تا حدود پنجاه درصد اشتباهات با کمی دقت در صحافی حل می‌شود و ضایعات پایین می‌آید. یا مثلاً در عطف کتاب لوله‌ای کاغذی می‌گذارند و به عطف می‌چسبانند. یک طرف این لوله به عطف کتاب می‌چسبد و طرف دیگر به جلد و همین روش ساده باعث می‌شود که استقامت کتاب زیاده‌تر شود و زود از بین نرود. کتاب‌های قطور بعد از چند بار باز و بسته شدن از جلد جدا می‌شوند، ولی با آن روش صحافی، کتاب همیشه سالم می‌ماند. این شیوه صحافی چون وقت‌گیر است از بین رفت، اما روش ماشینی همین نوع صحافی به گونه دیگری ادامه دارد.



# پژوهشگران معاصر

هوشنگ اتحاد



سیدین فرمان



فرهنگ معاصر



۱۵۰

— خوب نتیجه این تجربه‌ها این شد که شما در صحافی کتاب‌هایتان دقت خاصی به کار ببندی. آیا ناشران دیگر هم اینها را به کار می‌بندند؟

نمی‌دانم که ناشران دیگر چه کار می‌کنند، به هر صورت هر مؤسسه انتشاراتی در این زمینه‌ها برای خودش شیوه و اصولی را دنبال می‌کند، شیوه ما کنترل و نظارت هرچه بیشتر است.

— آیا از همان سال ۱۳۶۰ اسم نشرتان را فرهنگ معاصر گذاشتید؟

خیر. وقتی می‌خواستیم نام انتخاب کنیم به دنبال نامی بودم که بازگوکننده کار ما باشد. اول اسم انتشارات واژه را انتخاب کردم و یکی دو عنوان هم با این نام منتشر کردیم، بعد یکی از همکاران اطلاع داد که ما از این نام را قبلاً استفاده کرده‌ایم و براساس آن مجوز گرفته‌ایم، به فکر نام دیگری بودم که به صورت اتفاقی با دوستی صحبت می‌کردم موضوع نام مؤسسه به میان آمد ایشان چند نام پیشنهاد کرد و یکی هم گفت مثلاً «فرهنگ معاصر»، به نظرم اسم خوبی بود و آن را انتخاب کردم. استاد ابراهیم حقیقی لطفی به من داشتند و برای انتشارات واژه آرمی طراحی کرده بودند مجدداً به ایشان مراجعه کردم و ایشان با خوشرویی پذیرفتند طرح دیگری آماده کنند، پرسیدند آیا ایده‌ای داری، در این مورد قبلاً فکر کرده بودم، پیشنهاد کردم معمولاً افراد برای پرسش به کتاب مرجع مراجعه می‌کنند چطور است که یک علامت سؤال و یک علامت جواب

طراحی کنید، ایشان فکری کردند و گفتند همان علامت سؤال کافی است. هر دو علامت با هم شبیه فرمول ریاضی می‌شود، این بود داستان نام و آرم مؤسسه. این کار را هم به صورت رایگان برای من انجام دادند از ایشان از این بابت صمیمانه تشکر می‌کنم.

### — چرا به سراغ انتشار فرهنگ آمدید؟

همان‌طور که در موارد قبل گفتم، از سال ۱۳۵۰ که شروع آشنایی ملموس من با فرهنگ‌ها از طریق ایندکس و صحافی کردن فرهنگ بود، آرزوی داشتن یک مؤسسه انتشاراتی را در دل داشتم. این آرزو در طی ده سال بعد، به صورت اتفاق، شانس، یا ده‌ها مورد دیگر، برآورده و فکر می‌کنم تا این جای کار در حد توانایی و آموخته‌هایم وظیفه‌ام را بد انجام نداده‌ام، امیدوارم در این زمینه بیشتر بیاموزم و تجربه کسب کنم.

### — شما می‌توانستید سراغ شعر، رمان یا خیلی چیزهای دیگر بروید، چرا سراغ کتاب مرجع آمدید؟

به دفعات دلایلم را در قبل گفته‌ام، اما نکته مهم‌تر این است که کمبود کتابهای مرجع را احساس می‌کردم و به خودم اطمینان داشتم که در این زمینه بنا به دلایلی می‌توانم بیشتر موفق شوم.

### — به این حس اصطلاحاً می‌گویند شتم نشر؟ نمی‌دانم. هر اسمی می‌خواهید رویش بگذارید.

### — این شتم نشر همان چیزی است که فی‌المثل عبدالرحیم جعفری داشت می‌توانست به کمک آن کارهایی بکند که دیگران نمی‌توانستند. خب شما فکر کردید که می‌توانید این خلأ را پر کنید؟

خودم را در حد عبدالرحیم جعفری نمی‌دانم، اما این را از روی تجربه سالهای آشنایی با کتاب می‌توانستم درک کنم، جامعه‌ای نو در حال شکل‌گیری است که نمی‌تواند فرهنگ‌های کهنه و قدیمی پاسخگوی نیازهای آن جامعه باشد و وقتی می‌دیدم که مقابل این سؤال مراجعین از کتابفروش‌ها می‌پرسند که آیا این فرهنگ‌ها جدید است یا همان فرهنگ‌های قدیمی است و آیا لغات جدید دارند یا چاپ دیگری از همان فرهنگهای قدیمی است، درمی‌یافتم که جامعه خواستار کارهای تازه‌ای هست. اگر من بتوانم نوع عالی آن را تولید کنم امید موفقیت هست. براساس همین فکر بود که واحد پژوهش فرهنگ معاصر را راه‌اندازی کردم، امروز که به ثمره آن نگاه می‌کنم فکر می‌کنم راه را درست انتخاب کرده‌ام. این نگاه و حس بود که به من حکم می‌کرد



که از یک دستگاه آپارتمان ۴ اتاقه که دفتر فرهنگ معاصر بود سه اتاق را به واحد پژوهش اختصاص دهم و فقط یک اتاق در اختیار کارهای نشر باشد، همین حس بود که وادارم می‌کرد در دوران جنگ در بیماران، موشک‌باران و همه آن دوره بد اقتصاد نشر با پول‌های بهره‌ای و قرض‌های سنگین پروژه‌هایی مثل فرهنگ معاصر هزاره، فرهنگ معاصر ناطنی، دایرةالمعارف هنر و ... را اداره کنم و حتی یک روز آن پروژه‌ها را تعطیل نکنم، امید به آینده و درستی راه حسی بوده است که در تمام دوران کاری‌ام داشته‌ام و همکاری‌هایی که در طی این ۲۰ سال در فرهنگ معاصر یار و همراه من بوده‌اند، خودم را فرد موفق نمی‌دانم اما دیگران اعتقاد دارند که من خوب عمل کرده‌ام و موفق بوده‌ام. اگر چنین باشد بدون شک همکاری و همدلی، همکاری دیگر فرهنگ معاصر در این مورد بیشترین تأثیر را داشته است. من نیز عضوی از آنها بودم که کار و پروژه‌ای را تعریف می‌کردم و امکانات لازم را فراهم می‌ساختم و سعی کرده‌ام در حد توانم به بهترین وجه وظایفم را در قبال جامعه در همکاری با همکارانم آن را انجام دهم.

### — احتمالاً آدید مار ناشران را نقادی کنید تا راهنان را انتخاب کنید؟

آدید مار ناشران را نقادی نمی‌کنم. خودم را خام‌تر از آن می‌دانستم که بخواهم ناشران پخته‌تر از مردم

را نقد کنم. واقعیت این بود که می‌دانستم چه می‌خواهم و به دنبال چه هستم، به دنبال دلم و حسم رفتم، هنوز هم همین‌طور عمل می‌کنم، شاید خیلی از کارهایی را که انجام می‌دهم با تعاریف اقتصادی همخوانی نداشته باشد، اما حس من خودش عمل می‌کند، ناشران دیگر را نقد نکردم، بلکه الگوهای زیادی از نشر داشتم.

### — الگوهای خارجی منظور تان هست؟

نه الزاماً. الگوهای خارجی به جای خود، در همین کشور خودمان عبدالرحیم جعفری مقابلم بود. با انتشارات امیرکبیر، مردی که از هیچ‌چیز ساخته بود، عبدالرحیم جعفری در روزگاری امیرکبیر را ساخت که حرفه نشر کتاب وضعیت امروزی را نداشت، اگر عبدالرحیم جعفری در روزگار سخت توانست چنین مؤسسه‌ای بنا کند که مایه رشک دوست و دشمن باشد، پس من هم براساس این الگو می‌توانم. بخصوص حالا که صدها الگوی خارجی هم در پیش چشمانمان است.

### — آیا گمان می‌کردید ظرف بیست سال صاحب تجربه گسترده‌ای در انتشار کتاب‌های مرجع بشوید؟

نه. واقعاً فکر نمی‌کردم، چون همه چیز در این کشور اتفاقی است، منتهی بعضی‌ها می‌توانند از این اتفاقات بهره‌برداری معقولی بکنند و بعضی‌ها موقعیت‌ها را نمی‌بینند و از دست می‌دهند.

### — در طول بیست سال گذشته چند عنوان کتاب منتشر کردید؟

اجازه بدهید به این سؤال این‌طور جواب بدهم، همان‌طور که می‌دانید وضعیت فرهنگ معاصر با دیگر مؤسسات انتشاراتی کمی متفاوت است. اصولاً یا اثری در بخش پژوهش‌ها تألیف و تدوین می‌شود، یا به افرادی سفارش می‌دهیم، در فرهنگ معاصر کمتر کتابی از بیرون توسط افراد برای چاپ پیشنهاد می‌شود، بنا به دلایلی خیلی از کارهایی که توسط افراد به فرهنگ معاصر پیشنهاد می‌شود با شیوه‌ها و استانداردهای ما همخوانی ندارد در نتیجه مجبوریم یا خودمان تألیف و تدوین کنیم، یا به افراد صاحب‌صلاحیت سفارش بدهیم، به همین دلیل عناوینی که منتشر کرده‌ایم تاکنون حدود چهل عنوان بوده و در همین حدود هم در دست انتشار داریم، فکر می‌کنم لازم به توضیح باشد که در فرهنگ معاصر با این امکانات محدود تقریباً همه کارها، یا بهتر بگویم بیشتر از هشتاد درصد آثار تألیفی است و شما خودتان بهتر می‌دانید کار تألیف با ترجمه تا چه حد تفاوت دارد.

### — مهم‌ترین فرهنگ‌هایی که تاکنون منتشر کرده‌اید به نظر خودتان کدامند؟



● همایون صنعتی زاده ، داود موسایی و عبدالرحیم جعفری (عکس از علی دهباشی)

پاسخ این سؤال دشوار است، چون هر یک از کارهایی که منتشر شده است دارای ویژگی خاصی است ولی شاید بتوانم این طور بگویم که فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی دکتر باطنی که سال ۱۳۷۲ منتشر شد به جهاتی برایمان مهم بود، چون بعد از حدود ۷ سال کار پژوهشی این اولین کاری بود که ثمره کار واحد پژوهش ما بود و به آن خیلی دل بسته بودیم که در نمایشگاه کتاب سال ۱۳۷۲ به علت عدم استقبال مردم از این کتاب خیلی مأیوس شدیم و پس از آن با برخوردی که با آن داشتیم ظرف ۴ سال تبدیل به یکی از مطرح ترین فرهنگ های آن سالها شد. با اینکه این کار در آغاز با عدم استقبال روبرو شد، اما چون به کاری که می کردیم اعتقاد داشتیم از همان روزهای بعد از نمایشگاه با دکتر باطنی وارد گفتگو و مذاکره شدیم. برای ویراست بعدی که حدود ۴ سال بعد منتشر شد و امروزه یکی از فرهنگ های مطرح معاصر است نیز دایرةالمعارف هنر، و همین طور فرهنگ هزاره که اخیراً منتشر شده است که حاصل حدود ۱۲ سال کار تألیف و یکی دو سال آماده سازی بوده است، اظهار نظر درباره آن را به عهده اهل نظر و متخصصین فرهنگ می گذارم، فکر می کنم کار مهمی است که در این سالها در بخش خصوصی صورت گرفته است.



بسیاری از فرهنگ‌ها را با تشخیص متخصصان و توصیه آنها منتشر می‌کنیم و شاید از هر ده فرهنگ که برای فرهنگ معاصر می‌آورند ما فقط یکی دو تا فرهنگ را قبول و بقیه را رد می‌کنیم. چون با معیارهای فرهنگ معاصر هماهنگی ندارد. خیلی‌ها برحسب همان تجربه‌ای که شما از آن نام بردید، نتیجه سال‌ها زحمت خود را پس از اتمام کار به این جا می‌آورند و تازه معلوم می‌شود که به دلیل علاقه شخصی کار را انجام داده‌اند ولی کار نه روش‌مند است، نه با ویرایش به اثری معقول تبدیل خواهد شد. بنابراین، اگر آن را قبول کنیم، دردسرش خیلی خواهد بود. معمولاً کاری را می‌پذیریم که با معیارهای خودمان تا حدودی همخوانی داشته باشد.

### — در حال حاضر چه فرهنگ‌هایی در دست آماده‌سازی دارید؟

همان‌طور که گفتیم در حدود چهار عنوان دیگر که فرهنگ‌های متفاوتی است در دست پژوهش، تألیف، آماده‌سازی و چاپ داریم. از جمله آنها، مجموعه فرهنگ‌های فارسی امروز است که یک طرح بلندمدت است و شامل چندین عنوان خواهد بود و دارای ویژگی‌های خاصی است که به تدریج منتشر خواهد شد. نیز فرهنگ‌های دیگری همین‌طور به تدریج منتشر خواهند شد. فرهنگ فارسی امروز نزدیک‌ترین آنها از نظر زمانی خواهد بود.

۱۵۵

### — مهم‌ترین کارتان در حال حاضر چیست؟

کارهای متعددی در دست داریم که به تدریج منتشر خواهند شد، معنای مهم‌ترین متفاوت است، مهم‌ترین از نظر ما یک معنی دارد از نظر جامعه معنی دیگری دارد، به عنوان مثال ممکن است ما روی کاری خیلی وقت و سرمایه صرف کنیم و جامعه از آن استقبال نکند، در نتیجه کار برای ما مهم بوده است و در جامعه اثر مهمی نبوده است، اما یکی از کارهای مهمی که در دست داریم ویراست سوم فرهنگ معاصر دکتر باطنی، فکر می‌کنم در اردیبهشت سال ۱۳۸۴ منتشر خواهد شد. از آثار کریم امامی یک مجموعه فرهنگ فارسی به انگلیسی در دست داریم که امیدوارم اولین آن تا پایان سال ۸۳ منتشر شود و کارهای متعدد دیگر از قبیل مجموعه آثار مرجع برای کودکان و نوجوانان شامل فرهنگ‌های انگلیسی - فارسی، آلمانی - فارسی، فرانسه - فارسی و برعکس اینها فارسی - انگلیسی، فارسی - آلمانی، فارسی - فرانسه خواهد بود این مجموعه حدود ۸ جلد خواهد شد که همه به صورت رنگی چاپ و منتشر خواهند شد.

### — فرهنگ‌های آقای کریم امامی هیچ ارتباطی با فرهنگ‌های حییم ندارد؟

نه فکر نمی‌کنم، این کاری است که آقای کریم امامی به تنهایی مشغول انجام آن است در این مورد بهتر است از خود ایشان سؤال شود.

## — مسئولیت تدوین فرهنگ برای کودکان و نوجوانان با کیست؟

بخش انگلیسی - فارسی، آلمانی - فارسی و برعکس آنها را خانم نرگس انتخابی، فرانسه - فارسی و فارسی - فرانسه را آقای محمدرضا پارسایار و همکارشان دکتر هرمز میلانیان، فرهنگ‌های فارسی امروز آقای صدری‌افشار و گروهشان و دایرة‌المعارف کودکان و نوجوانان آقای حسن پستاکه در دست تهیه و تدوین است.

## — طرح بلندمدت آینده‌تان چیست، آرمان یا هدف نهایی‌تان؟

خوب وقتی جوان‌تر بودم آرزوهایی داشتم که متعلق به دورهٔ جوانی است، آرزو داشتم فرهنگ معاصر در ایران مؤسسه‌ای شبیه مؤسسات مهم فرهنگ‌نویسی در جهان مانند لاروس در فرانسه، آکسفورد در انگلستان، لانگن‌شایت در آلمان، وبستر در آمریکا باشد، اما بعدها گذشت زمان و تجربه به من آموخت که در حد آرزو اشکالی ندارد اما به وجود آمدن آن در کشورهایمان مثل ما به علت محدودیت زبان امکان‌پذیر نیست، باید تا جایی که می‌توانیم و مقدور است سعی کنیم به این هدف نزدیک شویم هرچند رسیدن به این هدف کار آسانی نیست، اما امیدوارم بتوانم فرهنگ معاصر را به یک نهاد ماندگار تبدیل کنم تا بعد از این نیز دوام داشته باشد.

۱۵۶

## — در فرهنگ معاصر چند بخش دارید؟

انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، و فارسی

## — این بخش‌ها همگی در محل کارتان متمرکز است؟

نه، بهتر است بگویم در این حوزه‌ها کتاب مرجع منتشر می‌کنیم، بخش‌هایی که برایمان مهم‌تر است در داخل مؤسسه و بقیه در بیرون از مؤسسه است، به عبارتی بخش‌های کلیدی در مؤسسه و مابقی در بیرون.

## — اندیشه تدوین فرهنگ انگلیسی - فارسی دکتر باطنی از کجا آمد و چطور شکل

گرفت و بر آن چه گذشت؟

همان‌طور که در قبل اشاره کردم، قصد روزآمد کردن مجموعه فرهنگ‌های زنده باد حییم را در سر داشتم. وقتی با دکتر حق‌شناس آشنا شدم و قرار کار را گذاشتم، ایشان دکتر باطنی را به من معرفی کردند، که در پروژه فرهنگ هزاره با ایشان هفته‌ای یک روز به عنوان ویراستار همکاری کنند، دکتر باطنی تازه از دانشگاه بازنشسته شده بودند، به ایشان پیشنهاد کردم فرهنگ کوچکی در

حدود سه چهار هزار لغت برای افرادی که قصد سفر دارند در مؤسسه تدوین کنند، ایشان پذیرفتند و با یک دستیار (خانم فاطمه آذرمهر) این کار را شروع کردند، در جریان کار و اتفاقاتی که در مؤسسه روی داد این کار جیبی و کوچک آرام، آرام تبدیل به یک فرهنگ یک جلدی حدود هزار صفحه‌ای شد. قرار بود کار حداکثر ظرف یک سال انجام شود ولی به ۷ سال تبدیل شد. در این خصوص دکتر باطنی همیشه ابراز می‌کرد این کار طولانی می‌شود، جواب من هم این بود، اشکالی ندارد چون حسم به من می‌گفت در این اوضاع و احوال که هیچ نظم و ترتیبی ندارد، باید از اتفاقاتی که می‌افتد بهترین و بیشترین بهره را برد، زیرا معلوم نیست که یکبار دیگر این امکان فراهم شود که یک دکتر باطنی پیدا شود و بار دیگر بتوانیم یک فرهنگ جدید تدوین کنیم. پس حالا که این امکان به وجود آمده باید نهایت استفاده را از این موقعیت کرد، در عمل هم فکر می‌کنم حسم درست عمل کرده، نتیجه آن تاکنون دو ویراست از این فرهنگ بوده و ویراست سوده آن هم در راه است.

### بخش‌ها کتابخانه مرجع و وسایل لازم را در اختیار دارند؟

بله، در حد امکان ما همه چیز مهیاست. عده‌ای هم تمایل دارند تنها کار کنند، و از ما سفارش بگیرند. و در منزل کار کنند. مثل کریم امامی، گروه ایتالیایی. و گروه دایرةالمعارف نوجوان که خارج از فرهنگ معاصر انجام می‌شود.

### کدام بخش بیش از همه همکار دارد؟

انگلیسی به فارسی و برعکس و مجموعه فرهنگ‌های فارسی

### — پروژه‌ای عمل می‌کنید یا حقوق ماهیانه می‌دهید؟

حقوق ماهیانه می‌پردازیم و همکاری در استخدام مؤسسه هستند.

### — آیا در نظر دارید بخش‌ها را گسترش دهید؟

تا آنجا که امکانات اجازه بدهد بله.

### — تجربه‌هایتان را در زمینه فرهنگ‌نگاری ثبت و ضبط می‌کنید؟

بله، اگر پروژه‌ای را شروع کنیم معمولاً سابقه‌ای برای آن درست می‌کنیم که از کجا شروع کردیم، چه چیزهایی را اعمال کردیم، چه مواردی را حذف و چه چیزی را اضافه و اصلاح کردیم

و غیره. یک سابقه از همه اینها نگه می‌داریم.

### — فرهنگ هزاره چگونه شروع شد؟

همان‌طور که در قبل گفتم از طریق آقای خرمشاهی با دکتر حق‌شناس آشنا شدم، و در جلسه‌ای با شرکت آقایان کامران فانی، بهاء‌الدین خرمشاهی، داریوش آشوری، دکتر علی محمد حق‌شناس، دکتر باطنی و حسین سامعی و یکی دو نفر دیگر که اسامی آنها به خاطر من نیست، راجع به طرح فرهنگ جدید مذاکراتی کردیم که به نتیجه نرسید. تا این که دوباره با دکتر حق‌شناس تماس گرفتم و گفتم آن طرح عملی نشد، پس بیایید و فرهنگ حییم را روزآمد کنید. پس از یکی دو ماه بررسی ایشان گفتند این کار عملی نیست، پیشنهاد کردم پس بیایید فرهنگ جدیدی تدوین کنید. بنابراین دکتر حق‌شناس و آقای سامعی، یکی از دانشجویان دکتر حق‌شناس به نام خانم صفوی قرار شد بر مبنای فرهنگ Advanced Learner کار را شروع کنند. قرار بود این طرح چهار ساله باشد و به همین ترتیب و با همین سه نفر کار شروع شد. در جریان کار، دکتر حق‌شناس گفتند که دوستی دارند به نام دکتر باطنی که در زمینه فرهنگ بسیار حاذق هستند و اگر ایشان هم به جمعشان بپیوندند، گروه کامل خواهد شد. دکتر باطنی را دورادور و از طریق ترجمه‌هایشان می‌شناختم و راجع به ایشان تحقیق هم کرده بودم. همه کسانی که با ایشان کار کرده بودند متفق‌القول بودند که در کار بسیار دقیقند و من هم به دنبال چنین کسی می‌گشتم، کما این که هنوز هم دنبال چنین کسانی می‌گردم. قرار ملاقاتی گذاشتیم و دکتر باطنی را دیدم. همان‌طور که قبلاً گفتم اول قرار شد که هفته‌ای یک روز روی پروژه Advanced و به عنوان ویراستار همکاری کنند و بعد از گذشت یکی دو ماه از پیشرفت کار بسیار خوشحال بودم، این فرهنگ نیز داستان درازی دارد که در این خلاصه نمی‌گنجد.

۱۵۸

### — روزی چند ساعت در واحد پژوهش کار می‌کنید؟

معمولاً روزی ۷ تا ۸ ساعت از حدود ۸ صبح تا ۴ بعد از ظهر

### — کار هر دو فرهنگ باطنی و هزاره به موازات هم پیش می‌رفت؟

بله، کار فرهنگ دکتر باطنی به صورت منظم پیش می‌رفت، اما فرهنگ هزاره دچار اشکالات و گرفتاری‌هایی شد که باید در وقتی دیگر به آن بپردازم، چون فرهنگ هزاره، از روزی که شروع شد تا روزی که منتشر شد ۱۶ سال طول کشید یعنی از اردیبهشت ۱۳۶۴ تا اردیبهشت ۱۳۸۰ که در نمایشگاه عرضه شد.

## — تیراژ اول فرهنگ باطنی چه تعداد بود؟

ذکر خاطره‌ای در این خصوص بد نیست، همان‌طور که قبلاً گفتم تألیف و چاپ این فرهنگ ۷ سال طول کشید، وقتی منتشر شد ما فکر می‌کردیم حداقل باید ده هزار نسخه چاپ کنیم که در تیراژ ده هزار نسخه چاپ کردیم و فکر می‌کردیم در نمایشگاه کتاب تمام آن به فروش خواهد رسید، غافل از اینکه با کلی تدبیر توانستیم حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ نسخه از آن بفروشیم و حالا ما بودیم و حدود ۹۷۰۰ جلد فرهنگی که در انبار است، قاعدتاً با این تجربه کار پژوهش و تألیف را باید تعطیل می‌کردیم. اما من اعتقاد داشتم که اصل کار درست است، اشکال کار را باید پیدا کرد. این تعداد را فکر می‌کنم ظرف حدود یک سال و نیم فروختیم. سال بعد این فرهنگ کتاب سال شد. با تدابیری که در پیش گرفته کتاب حای خودش را باز کرد و تا سال ۱۳۷۷ که ویراست دوم از آن منتشر شد چندین بار در تیراژهای متفاوت تجدید چاپ شد. و حالا هم که ویراست سوم از دست اجرا است.

## — ویراست اول و سوم چه تفاوت‌های با هم دارند؟

تفاوت‌های آن زیاد است. ویراست اول فرهنگ بسیار ابتدایی بود در حدود ۱۰۰۰ صفحهٔ رقی، بدون مثال، اصطلاح، و... در صورتی که در ویراست سوم تمامی اشکالات ویراست اول و دوم گرفته شد. و نه حدود بیش از هزار صفحه قطع و زیری خواهد رسید.

## — و باز هم یک جلدی خواهد شد؟

احتمالاً به صورت یک جلدی، شاید هم به صورت دو جلدی، منتشر خواهد شد.

## — اگر موافق هستید بپردازیم به فرهنگ هزاره، آیا از ابتدا اسمش را هزاره گذاشتید؟

نه. در شروع به صورت موقت نام آن فرهنگ معاصر بزرگ انگلیسی - فارسی بود که هنگام انتشار چون مصادف با آغاز هزارهٔ سوم شد نام آن را هزاره گذاشتیم.

## — مبنای کار چه بود؟

فرهنگ Oxford Advanced Learner، چاپ سال ۱۹۸۴ و سه فرهنگ دیگر به نام‌های لانگمن، کوبیلد، وبستر نیوورلد و بعدها هم که ویرایش‌های تازه Advanced Learner منتشر شد براساس ویرایش جدید مدخل‌ها و معادل‌ها اضافه و ویرایش شد.



— آنها هم تمام وقت کار می‌کردند؟

بله، تمام وقت مگر در مواقع تدریس و ....

— شما حقوق ماهانه می‌پرداختید؟

بله، به‌طور مرتب کلیه پروژه‌هایی که در فرهنگ معاصر انجام می‌شود به صورت حقوق ماهانه است چون ماهیت این نوع کار اینگونه است.

— بالاخره فرهنگ هزاره چه مدت طول کشید؟

شروع این کار اول اردیبهشت ۱۳۶۴ است و تاریخ عرضه آن در نمایشگاه بین‌المللی کتاب در اردیبهشت ۱۳۸۰ که جمعاً حدود ۱۶ است که از این مدت حدود چهار سال از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ این پروژه تعطیل شد و در آخر سال ۱۳۷۸ کار تألیف آن تمام و در سال ۱۳۸۰ در نمایشگاه عرضه شد.

— تیراژ فرهنگ هزاره چه تعداد است؟

برای چاپ اول پنج هزار دوره دوجلدی

— آیا فروش رفته یا هنوز نه؟

فروش آن فعلاً کند است.

— دلایل این کندی فروش را در چه می‌دانید؟

این فرهنگ هنوز برای مردم شناخته شده نیست، همچنین قیمت آن به ظاهر گران است اما اطمینان دارم که به زودی از استقبال خوبی برخوردار خواهد شد، باید کمی صبر کرد.

— نمی‌خواهید فرهنگ‌هایتان را روی CD (لوح فشرده) منتشر کنید؟

تا وقتی که وضعیت کپی کردن آزادانه CD ها روشن نشود خیر، اخیراً فرهنگ معاصر دکتر باطنی را روی CD انتشار داده‌ایم اما جسته و گریخته شنیده‌ایم که قفل آن را به‌طور غیرقانونی باز کرده و کپی می‌کنند، تا زمانی که تکلیف این کار روشن نشود فرهنگ‌های دیگرمان را به صورت لوح فشرده منتشر نمی‌کنیم.

— اثر مهم دیگر تان دایرةالمعارف هنر است، ماجرای آن را برای ما بگویید.

روزی به دنبال مدخلی در زمینه هنر می‌گشتم، متوجه شدم در زبان فارسی کتاب فرهنگ یا دایرةالمعارفی نبود که به پرسش‌م پاسخ بدهد. به فکر افتادم فرهنگی در زمینه هنر، منتشر کنیم. با آیدین آغداشلو مشورت کردم. ایشان پیشنهاد کردند بهترین فرد برای این کار روین پاکباز است. ایشان را به همکاری دعوت کردیم و پذیرفتند و کارشان را شروع کردند، ایشان یکی از منظم‌ترین مؤلفانی است که تاکنون دیده‌ام، آقای پاکباز به دقت بررسی کردند و پروژه‌ای تعریف کردند و مشخصات پروژه را به صورت دستنویسی با جزییات کامل ارائه دادند، قرار بود کار حدود دو سال طول بکشد، فکر می‌کنم تألیف آن حدود ۴ سال و نیم طول کشید و تا وقتی منتشر شد حدود ۷ سال شد.

— همین جا کار می‌کردند؟

کار تدوین و تألیف را خیر، به اتفاق دستیاران دیگری که داشتند در خارج از این مؤسسه کار می‌کردند.

— چه مدت طول کشید؟

کاری که قرار بود حدود دو سال طول بکشد عملاً حدود ۷ سال زمان برد.

— پیش‌بینی هفت سال را کرده بودید؟

در واقع همه کارهای ما به همین منوال است، تقریباً پروژه‌ای نبوده است که درست در همان زمان پیش‌بینی شده منتشر شود، چون موارد پیش‌بینی نشده‌ای اتفاق می‌افتد که گاهی پروژه‌ای را حتی به تعطیلی می‌کشاند، اصولاً اگر در این کشور پروژه‌ای شروع شد و به هر صورت به آخر رسید باید خیلی خوشحال بود، چرا که اصولاً کارهای درازمدت بنا به عللی معمولاً کمتر به انجام می‌رسد. در هر حال خوشبختانه خیلی از پروژه‌های ما به هر صورت به آخر رسیده، بعضی‌ها هم نیمه‌کاره رها شده‌اند. در این مورد باید عرض کنم که قرار است جلد دیگری به این دایرةالمعارف اضافه شود که یک جلد مخصوص هنر جهان و جلد دیگر مخصوص هنر ایران خواهد بود.

— باز هم قرار است ایشان کار کنند؟

بله، اینکار قرار است در واحد پژوهش صورت گیرد و به همراه گروهی که ایشان برای این کار تدارک دیده‌اند.

**— کارهای اقتصادی و بازرگانی و بازاریابی فرهنگ معاصر را چه کسی انجام می‌دهد؟**

در آغاز تقریباً همه این کارها را خودم انجام می‌دادم، اما امروزه افراد دیگری در مؤسسه هستند که به کمک آنها اینگونه امور انجام می‌شود، متأسفانه هنوز شیوه‌های فروش و بازاریابی سنتی است، یک دو سال است مشغول مطالعه و بررسی راه‌های جدیدتر بازاریابی و فروش هستیم، هم اکنون در سراسر ایران از طریق نمایندگی‌های فروش که حدود پانصد نمایندگی می‌شود این کار انجام می‌شود.

**— آیا کار ناشران ایران را نقد و بررسی و دنبال می‌کنید، کار کدام یک را بیشتر می‌پسندید؟**

همان‌طور که گفتم نوع کار من با خیلی از همکاران دیگر متفاوت است. طبیعی است که کار همکاران دیگر را به طور طبیعی دنبال می‌کنم، کارهای تعدادی از همکاران ناشر را می‌پسندم. از جمله، حسین پایا (طرح نو)، علیرضا رمضانی (نشر مرکز)، حسین کریمی (انتشارات نیلوفر)، محمد زهرایی (نشر کارنامه)، جعفر همایی (نشر نی) و تعداد دیگری از همکارانم که در حال حاضر حضور ذهن ندارم. برای یکایک آنها به دلیل اینکه سرمایه و عمرشان را در این حرفه گذاشته‌اند عمیقاً احترام قائلم و برایشان آرزوی توفیق می‌کنم.

۱۶۲

**— در بازار نشر ایران رقیبی برای خودتان می‌بینید؟**

درواقع ما تلاش می‌کنیم تا حد امکان از جهت دقت علمی و کیفیت اجرایی، کارمان را به بهترین وجه ممکن عرضه کنیم. این بخش از حرفه نشر کاری است بسیار پرزحمت، تجربه ما اندک اندک طی کاری سنگین و طولانی به تدریج حاصل شده است، این بخش عرصه‌ای نیست که فقط با امکان مالی بتوان به آن وارد شد، این بخش از حرفه نشر چیزهای زیادی لازم دارد که یکی از آنها امکان مالی است، تجربه، نیروی انسانی متخصص و دهها مورد دیگر ... لازمه این کار است. فکر نمی‌کنم به این زودی‌ها همه این امکانات فراهم شود تا رقیب دیگری بتواند وارد این عرصه شود.

**— از شما متشکریم و برای فرهنگ معاصر موفقیت بیشتر در زمینه انتشار بهتر و بیشتر کتاب‌های مرجع را آرزو می‌کنیم.**